

دو نامه تاریخی در باره رویدادهای مشروطیت

در شماره یکم سال شانزدهم مجله ارجمند یغما ۱، دوسند تاریخی را که از میان انبوهی از اوراق و اسناد خانوادگی در دسترس نگارنده قرار گرفته بود، با شرحی کوتاه زیر عنوانی «دو نامه راجع بوقایع مشروطیت» بچاپ رسید که باشتباه نام نویسنده نامه‌ها، مرحوم میرزا طاهرخان شیبانی معرفی شده بود و حال آنکه درست آن میرزا خلیل‌خان شیبانی بوده است و اینک دو نامه دیگر از همو که باز درباره برخی از رویدادهای روزهای گرم مشروطیت ایران و حاوی نکاتی جالب و گیراست باعکس آنها در اینجا از نظر خوانندگان گرامی میگذرد. این دو نامه مانند دو نامه پیش به حاجی میرزا ابراهیم‌خان صدیق الممالک نوشته شده است ۲، یکی تاریخ ۲۰ ذی قعدة ۱۳۲۵ قمری است و دیگری اگرچه تاریخ ندارد ولی از روی قراین مذکور در متن آن، در روز سه‌شنبه ۲۱ ذی‌حجه ۱۳۲۴ نوشته شده است زیرا می‌بینیم نویسنده در یکجا نوشته است «پریروز که یکشنبه ۱۹ بود...» و سپس از موضوع معرفی هیئت وزیران و رفتن حاجی محتشم السلطنه به مجلس و اعتراض نمایندگان مجلس به عنوان وزارت برای مسیونوز بلژیکی گفتگو می‌کند و این وقایع مربوط به ماه ذی‌حجه ۱۳۲۴ بوده است. ۳ اینک متن دو نامه مزبور:

(۱)

مورخه ۲۱ ذی‌حجه ۱۳۲۴

و خداوند گارا... البته از اوضاع مملکت، خاطر مبارک مسبوق است. از قرار مذکور امروز و کلای آذربایجان وارد خواهند شد جمعی از کسبه بازار را می‌بندند که با استقبال بروند و آنها را با کمال احترام وارد کنند. پریروز که یکشنبه ۱۹ بود قرار بود وزرای مسئول در خدمت حضرت اشرف صدراعظم بمجلس بیایند با تمیین حدود معرفی شوند چون دوز روز قبل از روز نوزدهم وزراء خودشان بمجلس آمده بودند جناب محتشم السلطنه از طرف صدراعظم بدون حضور وزراء بمجلس آمدند و رقهه باین مضمون از طرف ایشان قرائت شد. «خدمت و کلای محترم مجلس دارالشورای ملی صورت اسامی وزرای مسئول از این قرار است: مشیر السلطنه وزیر عدلیه، ناصر الملک وزیر مالیه، علاء السلطنه وزیر امور خارجه، مهندس الممالک وزیر معادن، علاء الملک وزیر علوم، حاجی دبیر الدوله وزیر لشکر، وزیر داخله، و وزیر تجارت و اینها اشخاصی هستند که باید امورات را از روی قانون بگذرانند». و کلای مجلس بعضی ایرادات کردند از آن جمله گفتند وزیر لشکر مسئول مجلس نیست و وزیر جنگ مسئول است و باید بجای وزیر لشکر وزیر جنگ نوشته شود. دیگر اینکه باید توضیح کنند دیگر وزیری جز هشت نفر نخواهد بود و امورات مملکتی از این هشت نفر خواسته میشود که باید بدانیم از

۱- شماره فروردین ۱۳۴۲ ۲- اصل این سند در تصرف نگارنده است.

۳- راک به تاریخ مشروطه تألیف کسروی درس ۲۰۵ تا ص ۲۰۸ چاپ ششم.

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد و آله الطيبين
الطاهرين
الذين
بعثناهم
نصحاء
مبينين
مبينين

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد و آله الطيبين
الطاهرين
الذين
بعثناهم
نصحاء
مبينين
مبينين

فداود الله
استادان و فرزند محترم حضرت استاد
استادان است و به دارم بفرموده و بحسب راجحه است و برین ترتیب
سند ام شیخ رسید که بفرموده حضرت استادی مطرب رکن شریف و بطله رکن
دوره پنجم مطرب به استمال چند فرزند است که در این مرتبه است
و حضرت رفیق نقدی و جناب سوری و فرزندان فداقتی است و حضرت و فرزند به استمال
بهر حال نمودند و بهر کسی که صلاح بیخ حضرت فرزند

از فرزند صاحب مکتب مطرب رکن سید است از فرزند کرد و در روز کدی
نصابان دارد و خود منشی بی غمی از کسی با داروای بنده به استقبال برین
دانش روز با محال احترام دارد که بر روز هفتم ۱۹ بود در روز
سورال در وقت حضرت طرف صدر و عظمی بکسرت به نفس صدق
چون در وقت روز در روزم در روز خودی بکسرت این معجزات حضرت
از طرف صدر و عظمی بر روی حضور و در روز بکسرت در وقت باغ سخنوی از طرف
این فرزند بی (حضرت و احدی محرم لیس در روزی است حضرت
اس می در روزی سورال از فرزند است بر بطله و در هر یک فرزند است
عبد و بطله و در روز فرزند حضرت که یک در روز سورال عبد

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد و آله الطيبين
الطاهرين
الذين
بعثناهم
نصحاء
مبينين
مبينين

امروز ببید بمسیونوز که وزیر گمرک و پست بوده چه بنویسیم باز وزیر خطاب کنیم یا مدیر گمرک . در اینخصوص مذاکرات و کشمکش و گفتگوی زیادی شد آخر الامر موقوف بمجلس ثانوی شد که جناب محتشم السلطنه این مطالب را بعرض حضرت اشرف سداعظم برسانند و جواب بدهند . همینقدر عرض میکنم اوضاع عالم بکلی تغییر کرده و اخلاق و اطلاعات مردم درین موارد بجائی رسیده که تصورش غیرممکن است . میرزا احمدخانی است که سابقاً جزو وزارت خارجه بوده و در عمل تذکره کار میکرد است البته اطلاع دارید که بدو ایشان از مشاغل خودشان دست برداشته و داخل انجمن ملت شدند حال بمقامی رسیده که درمدرسه مروی بالای ممبر [کذا] رفته البته وعظ میکند و اقلاً هزار نفر کسبه و غیر کسبه روزهای جمعه بمدرسه مروی میروند و بفرمایشات ایشان گوش میدهند . مسلماً اگر یک مجتهدی بممبر [کذا] برود آقدر جمعیت حاضر نمیشوند که میرزا احمدخان مرده از برای خودش فراهم کرده است . از این مقوله هرچه عرض کنم تمامی ندارد . زیاده جسارت بعرض ننمود .

(۲)

مورخ ۲۰ ذی قعدة ۱۳۲۵

خدایوندگارا ... درخصوص فهرستهای صندوق که دست مردم مانده خیلی مذاکرات شده است آخر الامر از مجلس شورای ملی اینطور مقرر شد که فهرست یونت ئیل صندوق را در صورتیکه از پنجاه تومان زیادتر نباشد تومانی پنجهزار بپردازند و بقیه بماند تا تکلیف آنها بعد معلوم نمایند . اتفاقاً بی پولی با اندازه شد که فهرست های پنجاه تومانی را هم تاکنون نتوانسته اند بپردازند . عجلاناً تمام مردم ویلان و سرگردان مانده اند . هیچ کس تکلیفش را نمیداند . چندبست که میگوئید باید وزارتخانه ها را مرتب کرد . فقط بهمین اسم قانع شده ایم و الامحضری نیست که شخص بتواند در آنجا مطالبش را اظهار کند . صد هزار درجه بدتر از سابق شده است خصوصاً این دوازده که بعقیده بعضی ملت دوفرقه شده و بعقیده برخی شخص اول مایل باین ترتیبات نیست . مثلاً در ده دوازده روز قبل جناب شیخ فضل افه و آقا آخوند رستم آبادی و دوسه نفر دیگر از آقایان باجمعی از قاطرچی ها در میدان توپخانه چادری برپا کرده اظهار داشتند که ما مشروطه نمیخواهیم و مشروعه میخواهیم . کم کم کار این گفتگو بالا گرفت . پس از تحقیقات معلوم شد که اعلیحضرت این دستورالعمل را داده اند و اشخاصی هم که دستورالعمل صورت خارجی اینکار را میدهند از قبیل امیر بهادر وسعد الدوله اند . روزوم مشروطه طلبها دکاکین را بستند و تماماً درمسجد سبهسالار حاضر شده جناب آقا سید عبدالله را هم حاضر کرده اظهار کردند که از قرار معلوم شاه با آن دسته همراه است و ما اینطور سلطان نمیخواهیم . اعلیحضرت هم از برای مترسک توپها را بیرون کشیدند و بسربازها تفنگک و فشنگک دادند ازطرف مشروطه طلبها هم جمع کثیری قریب سه هزار نفر تفنگک دار اطراف مسجد و مجلس حرکت میکردند همچو شهرت داده بودند که دولتی ها میخواهند مجلس را بگیرند و وکلا را متفرق نمایند . بعد از چهار پنج روز ولایات خبر شده تلگرافات خیلی سخت

۱- برای شرح این وقایع رجوع کنید بتاریخ مشروطه کسروی از ص ۵۱۱ به بعد ...

شده در ده روز در روز پنجشنبه و تا آخر وقت اول در ده روز و غیره در زمان
بسیار در تمام درسیه این زمانه با در بر بار کرده و نظارت داشته و با شروط مخصوص هم در روز جمعه و
الآن پنج کشور بدرافت بر در تحقیقات سلم تا در محضر است پنج بر مصلحت و اول آن در محضر
در دستور مقرر صورت خارجی یکباره همه روز هفت بر مصلحت در ده روز در تمام شروط
و کامیاب در سینه و تا در سینه در مقرر است حاجت به همه الله و هم مقرر کرده و نظارت کرده
و در روز سومش و با آن دست مبراهیم و با نظیر سلطان محمود اسمعيل حضرت هم از بر مقرر
زین را بر روی کشیده نزد بر بار با تفصیل و فستاد در آن روز طرف شروط طلبها
جمع کثیر در ظرف سه هزار نفر تفصیل در اطراف سیمه و مقرر است سکونت در محله
در ده و نظیر در تمام مخصوص مقرر و در مقرر در متفرق سینه مقرر در مقرر
و دیات خبرش مقرر است حاجت همه از آنکه از با آنها مقرر کرد و نظیر
با همه در روز در سلطان مملکت از زمان سینه و هم پنج بود در از رخ مقرر است
بجای صلح و در در مقرر حاجت شیخ فضل الله و هم در آن روز از تاریخ مقرر است
علاوه از آنکه مقرر در مقرر و مقرر است در مقرر است در مقرر است
هم روزی در مقرر و در مقرر هم در مقرر از آنکه مقرر است

میر در تمام مقرر در مقرر از آنکه مقرر است در مقرر در مقرر
نظیر مقرر در مقرر در مقرر در مقرر در مقرر در مقرر در مقرر
در مقرر در مقرر در مقرر در مقرر در مقرر در مقرر در مقرر

رسید از آنجمله آذربایجانها تلگراف کرده بودند که ما محمدعلی میرزا را سلطان مملکت آذربایجان نمیدانیم این بود که آقا از این تلگرافات ترسیده بهخیاال صلح افتادند . دیروز جناب شیخ فضل الله و همراهان ایشان را از باغ گلستان خارج کردند . حال رفته اند بمدرسه مروی و امنیت میخواهند و فحش بدولت میدهند . فقط قصد شاه بهم زدن ترتیب و تشکیل وزراء بود بهم زد . ناصرالملک را فرستاد بفرنگستان و گفت خودش میل داشت برود ما هم اجازه دادیم . از قراریکه میگویند نظام السلطنه وزیر مالیه و رئیس الوزراء ، ظفرالسلطنه وزیر جنگ ، قائم مقام که وزیر همایون باشد وزیر تجارت ، بقیه بحال خود باقی هستند . زیاده عرضی ندارد ایام شوکت مستمهام باد .

خلیل شیبانی

مجید اوحدی - یکتا

زیان جهل

نشاید آنکه کند دعوی سخندانی
مسلم است که نتوان کند جهانبانی
تو را بگویم يك از هزار نادانی
چگونه پی بری اندر رموز قرآنی
چگونه لاف زنی از علوم یزدانی
که مور دم زند از حشمت سلیمانی
فسون سحر باعجاز از تنک جانی
که از سکوت توان عیب خود پیوشانی
تمام عمر نشسته است در پشیمانی
شده است شهره بدانائی و سخندانی
سمند تند مران ترسنت فرومانی
و لیک خلق یقین می کنند نادانی
که چیست معنی آن در زبان ایرانی؟
ز شکل خود بدگر شکل ها بگردانی
که صرف بهره پولی بود که بستانی !
که وای بر تو از این شغل و این مسلمانی
جوان و پیر ، مسلمان ، یهود و نصرانی
شدند هر سه بمیدان جهل قربانی
هزار عاقل در کار او بحیرانی
که جهل کاخ وجودت کشد بویرانی

هر آنکه خواند الفبائی از علوم ادب
کسیکه خانه خود را نگاه نتوان داشت
هزار نکته باریکتر ز مو این جاست
تو را که نیست خبر از علوم ظاهر دین
تو را که نیست جز ابلیس رهنمای عمل
جدال نادان با بخردان بدان مساند
مصاف روبه با شیر از تهی مغزی است
چو خود ندانی ، بالله خموشی اولیتر
بسا کسا که بیک حرف ناصواب زدن
بسا کسا که خموشی چو کرده است شعار
بگو بنادان کمتر ستیز با دانا
تو خواهی آنکه بدانائیت کنند اقرار
دو تن جدال همیداشتند بر سر صرف
یکی بیگفت که صرف آن بود که لفظی را
تنی دگر که همی بود صیرفی می گفت
شنید این سخن از صیرفی قبیهی و گفت
جدالشان ره بالا گرفت و جمع شدند
بچوب و سنگ همی کوفتند یکدیگر
فکنند جاهل دیوانه سنگی اندر چاه
بگیر پند ز یکتا و گرد جهل مگرد